

دکتر ابوالقاسم سلامیان *

اقتباس عرب از هنر موسیقی ایرانی

ساسانیان به موسیقی بزمی و رزمی توجه زیاد میکردند و از اینجهت در دوره سلطنت آنان در سازمان اجرائی کشور و زیرویژه‌ای عهده‌دار کارهای هنری بخصوص موسیقی بوده و در مجالس طبقات عالی مملکت خرم باش اشاره می‌نمود و رامشگران که در پشت پرده نشسته بودند شروع به نواختن میکردند. در زمان اردشیر رامشگران یکی از طبقات ممتاز کشور محسوب میشدند. بهرام گور به جهت علاقه زیادی که به عیش و عشرت داشت چند نفر از رامشگران هند را بایران آورد. خسرو پرویز بیش از سایر سلاطین به موسیقی و هنرمندان علاقه نشان داد و توجه و تشویق او باعث بوجود آمدن موسیقی دانان بزرگی چون رامتین، بامشاد، نکبسا و باربد شد. باربد در ساختن الحان خیلی توانا بوده است و بهمین سبب برای ایام هفته، سی روز ماه و سیصد و شصت روز

* استادیار بخش زبان و ادبیات فارسی دانشکده ادبیات و علوم دانشگاه پهلوی

اوستائی نواهای هفتگانه یا طرق الملوکيه، (۱) سی لحن و سیصد و شصت لحن را ساخت که اسامی آنها درمآخذ لغوی، ادبی، تاریخی، هنری و دیوانهای بعضی از شعرا بویژه نظامی گنجوی دیده میشود.

گریستنن مستشرق دانمارکی اظهار نظر کرده که مضمون آهنگهای باربد حاوی مدح شاه و گنجهای او و کارهای پهلوانان قدیم و ستایش باده، بهار و طبیعت بوده است. استاد مذکور و سایر مدارک، این نکته را مدلل میدانند که در دوره ساسانی موسیقی بزمی و رزمی فوق العاده مورد توجه بوده و از نظر فنی ترقی کرده است، بعکس در عصر جاهلیت، عرب از موسیقی فنی بهره‌ای نداشته و الحان آنها متناسب طبعشان خشن بوده است و چون بعد از اسلام با ملل متمدن بویژه ایرانیان آمیزش کردند رهوز موسیقی فنی را از آنها یاد گرفتند. برخی از مورخان نوشته‌اند تنها عرب جاهلی موسیقی دان میمون بن قیس معروف به اعشی (۲) است و برخی از آنان علس دی جدن (۳) را هم موسیقی دان معرفی کرده‌اند.

ولی اعشی در تحول موسیقی عرب سهم بسزائی داشته است؛ زیرا او عرب را با غناء ایرانی و آلات آن آشنا کرد و دلیل آشنائیش بموسیقی ایرانی و آلات آن. آمدورفت وی به حیره و بدر بار یا شاهان ایران مخصوصاً انوشروان بوده است زیرا در زمان او بمدائن رفت و از موسیقی مرسوم آن زمان آگاهی یافت. مسعودی (۴) و شمس الدین-

۱- مروج الذهب مسعودی، مبحث مربوط به شعر در دوره ساسانی و هفت نغمه یا طرق الملوکيه

۲- مجلد ۱۵ اغانی ابوالفرج اصفهانی، صفحه ۵۲ و مجلد ۸، صفحه ۷۷ و مجلد ۱۰ صفحه ۱۴۳

۳- مجلد ۴- صفحه ۳۷

۴- از قول مسعودی نقل شده (مجله گنجینه معارف، شماره ۴ صفحه ۳۰)

محمد نواجی (۱) اظهار عقیده کرده اند که نصر بن حارث بن کلدۀ ثقفی هنگامی که برای ملاقات خسرو پرویز رفته بود نواختن بربط و موسیقی ایرانی را یاد گرفت و بعد از مراجعت بمکه بمردم تعلیم داد و بعضی نوشته اند چند نفر کنیز سرودگوی راجه خریدند و با خود آورده است. عقیده ابن ابی اصیبعه هم در کتاب عبون الابناء فی طبقات الاطباء در خصوص حارث بن کلدۀ ثقفی مؤید نظرات مذکور است. بعلاوه موضوع تحصیل حارث در شهر جندی شاپور و رفتن وی به دانشکده پزشکی برای کسب طب نوشته های مذکور و سایر اسناد و مدارک دال بر اینست که مقدم بر سایر آثار تمدن هنر موسیقی بزمی ایرانی بعرب تعلیم داده شده است.

و از این زمان موسیقی عرب راه تکامل را پیش گرفت، در حالیکه موسیقی ایرانی با وجود حمله عرب به ایران و شکست ایرانیان از ترقی نایستاد و تنها تأثیر حمله عرب در موسیقی ایرانی این بود که حالت نشاط انگیزی آن را مبدل به حزن و اندوه کرد، زیرا از دست رفتن استقلال و عظمت ایران باستان روح نشاط را از ملت ایران گرفت و بدین سبب وضع موسیقی ایرانی بعد از انقراض ساسانیان عوض شد و رامشگران بجای آهنگهای سرور انگیز نوآهای حزن انگیز ساخته و می نواختند. ولی از نظر فنی موسیقی ایرانی براه تکامل خود ادامه میداد و آلات موسیقی ایرانی بعد از اسلام همان آلات دوره ساسانیان بود. اما در این اوان آلت موسیقی بزمی عرب فقط دف بوده است و طرز رامشگری و سوگواری آنها پیش از آشنائی با موسیقی ایرانی بوده است که افرادی (۳ و ۲) نظیر طویس، سیرین، زرنب، خوله، ریاب، سلمی و رائقه (۳ و ۲) در مجالس سرور یا سوگواری طرب انگیزی بانوحه گری میکردند و در موقع نشاط بهمراه

۱- صفحه ۱۵۵ حلیة الكمیت

۲- اغانی، مجلد ۱۶، صفحه ۱۳

۳- اغانی، مجلد ۲، صفحه ۱۷۰- اغانی، مجلد ۴، صفحه ۳۸

دف کف هم میزدند. اما بعد از اسلام در زمان عبدالله زبیر موسیقی ایرانی در عرب تاثیر بیشتری کرد و اولین فردی از عرب که آوازه‌های ایرانی را فرا گرفته و اشعار عربی را بالحن فارسی خواند سعید بن مسیح (۱) است و او رموز موسیقی را از بناهای ایرانی که مشغول تعمیر خانه کعبه بودند فرا گرفت و چون مجذوب نوای آن شد به ایران مسافرت کرد و موسیقی فنی را هم یاد گرفت و بعد از مراجعت در مکه تعلیم داد و سند تاریخی این موضوع اینست که عبدالله بن زبیر چند نفر بنا و معمار ایرانی برای تعمیر خانه کعبه استخدام کرد، هنگامی که استادان ایرانی زمزمه می‌کردند سعید بن مسیح که باهوش و باذوق بود آواز آنها را شنید و بسیار خوشش آمد و در صد فرا گرفتن موسیقی ایرانی برآمد و پس از دریافت اصول آن بشام هم سفر کرد و رموز موسیقی رومیان را هم یاد گرفت.

یکی دیگر از هنرمندان عبیدالله بن مسیح (۲) است که در نواختن بریط خیلی مهارت پیدا کرد زیرا مدتی تحت تعلیم سعید بن مسیح بوده و رموز موسیقی ایرانی و آوازه‌های آنرا درک کرد و بویژه چون نواختن عود را از خود ایرانیان آموخت آنرا خوب میزده است. علاوه بر اینکه اعراب موسیقی ایرانی را از بناها و معماران ایرانی اقتباس کردند بعضی از استادان ایرانی از قبیل نشیط فارسی بسرزمین اعراب مسافرت کرده اصول این فن را به آنها آموختند و به این طریق تدریجاً رموز موسیقی فنی ایرانی در بین اعراب شایع گشت تا اینکه در زمان بنی امیه به حد کمال رسید و موسیقی دانان ماهر دیگری چون: غریض (۳) - ابو کامل (۴) - عبادل (۵) - حنین حیره (۶) - ابن عائشه (۷) -

۱- اغانی، مجلد، ۳ صفحه ۸۴

۲- اغانی مجلد ۱ صفحه ۹۸ و ۹۷

۳- اغانی مجلد ۲ صفحه ۱۲۹

۴- اغانی مجلد ۶ صفحه ۱۴۴

۵- اغانی مجلد ۵ صفحه ۱۷۵

۶- اغانی مجلد ۲ صفحه ۱۲۰

۷- اغانی مجلد ۲ صفحه ۶۲

عمر الوادی (۱) - محمد بن وهب (۲) - مالك بن ابی المسجیح (۳) - محمد بن اشعث (۴) - جمیله، (۵) سلامة القس، (۶) عقیله، (۷) ابن محرز، (۸) یونس کاتب (۹) و سائب خاثر (۱۰) بوجود آمدند که مهمتراز همه ابن محرز، یونس کاتب و سائب خاثر می باشند. ابن محرز از پرده داران کعبه و اصلا ایرانی و از موسیقی دانهای عصر اموی بوده که علاوه بر فراگرفتن موسیقی ایرانی بشام هم کوچ کرده و موسیقی رومی را هم یاد گرفت و خودش روش خاصی در موسیقی به کار برد. وی زمانی در مکه و مدتی در مدینه اقامت و موسیقی را منتشر می کرده و از این جهت لقب صنایع العرب بوی داده شده است. هنرمند دیگر یونس کاتب از نسل هرمزو از موسیقی دانهای عصر خود بود و بنا بنوشته ابن الندیم اولین کتاب موسیقی عرب را بعد از اسلام یونس کاتب نوشته و از کتب مهم او درباره موسیقی کتاب مجرد یونس، کتاب القیان و کتاب النغم است. موسیقی دان دیگری سائب خاثر است که اولین هنرمندی می باشد که در مدینه عود ساخته و نواخته است و در برابر نشیط فارسی که تازه به مدینه آمده بود آوازه های ایرانی می خواند و به دستور عبداللہ بن جعفر غنای عربی را به نشیط یاد داد.

پروژه گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

- ۱- آغانی مجلد ۶ صفحه ۱۴۱
- ۲- آغانی مجلد ۱ صفحه ۱۹
- ۳- آغانی مجلد ۴ صفحه ۱۶۸
- ۴- آغانی مجلد ۱۳ صفحه ۱۲۷
- ۵- آغانی مجلد ۷ صفحه ۱۲۶
- ۶- آغانی مجلد ۸ صفحه ۶
- ۷- آغانی مجلد ۷ صفحه ۱۲۴
- ۸- آغانی مجلد ۱ صفحه ۱۵۰
- ۹- الفهرست ابن الندیم
- ۱۰- آغانی مجلد ۷ صفحه ۱۸۸

عرب اصول موسیقی رزمی و آلات آن را هم از ایرانی گرفت. زیرا همانطوریکه قبیل از اسلام (۱) جز آواز حلاه و آلت دف برای بزم چیز دیگری نداشت برای رزم هم فقط از طبل استفاده میکرد ولی بعد از اسلام در اثر اقتباس از موسیقی ایرانی گامی فراتر نهاد و باز مزمه و ترنم آشنا شد و دو نوع ترنم بوجود آورد یکی غناء ویژه شعرو دیگر تغییر که در خواندن شعرو جز آن بکار میرفت. سپس غنای عربی تکامل بیشتر یافت و سه آهنگ: نصب، سناد و هزج بوجود آمد. نصب در غنای راکیان و مرثیه‌ها بکار میرفته است و آنرا غنای جنابی (۲) می‌گفتند. سناد آهنگ سنگینی بوده که برگشتها و نغمه‌های زیاد داشته و هزج آهنگ خفیف توأم با رقص و دف و کسف بوده است. آهنگهای مذکور در شهرهای خیبر، مدینه و طائف رائج بوده است ولی صورت منظم فنی نداشته و مناسب طبع و عادت عرب جاهلی بوده است زیرا موسیقی واژه روح و مترجم عواطف عالی بشری است و بعد از اسلام که روحیه و طبیعت عرب از خشونت بنر می‌گرائید آمادگی برای کسب نکات فنی و ظرافت موسیقی ایرانی را پیدا کردند و بدین سبب موسیقی ایرانی وضع موسیقی عرب را دگرگون کرد و مخصوصاً تشویق بعضی از خلفای بنی‌امیه بی‌اندازه در تکامل موسیقی عرب مؤثر بوده است. اما تمام خلفای بنی‌امیه مروج موسیقی نبودند و برخی مانند سلیمان بن عبدالملک اصلاً بارواج موسیقی مخالفت و حتی هنرمندان را به اشد مجازات تنبیه و گاهی تبعید میکردند ولی دسته دیگری از خلفای بنی‌امیه پشتیبان هنرمندان بودند. تنها فردی از خلفای بنی‌امیه که حکم به اباحت غنا کرد و به ترویج آن پرداخت بزید بن معاویه بود و از این جهت در زمان او موسیقی در مکه رواج کامل یافت و موسیقی ایرانی در مجاز بویسره در مدینه شایع گشت

۱- تاریخ تمدن اسلامی، مجلدات ۵، ۴، ۱

۲- تاریخ تمدن اسلام؛ غنای جنابی منسوب به جناب بن عبدالله که اصل حلاه را اختراع کرده است.

ولیدبن یزید (۱) دسته‌ای از موسیقی دانان را به دمشق احضار کرد و از آن تاریخ موسیقی از حجاز به سایر بلاد اسلامی انتقال یافت. بعضی از خلفا و فرزندان آنان اهل موسیقی بوده و باین هنر رغبت نشان میدادند. ولیدبن یزید آهنگهایی ساخته که در بین موسیقی دانهای اسلام شهرت داشته است. او یزیدبن عبدالملک به موسیقی دانان احترام میگذاشتند و صله‌های فاخر به آنها میدادند. در اواخر دوره بنی‌امیه موسیقی مورد توجه زیاد قرار گرفت بطوریکه مجالس بزم خلفا همواره با ساز و آواز توأم بوده است، و حتی در مسافرت‌های جنگی هم رامشگران همراه آنها بودند. ابن‌اثیر نوشته در تاریخ ۱۳۱ هجری سپاه بنی‌عباس لشکر بنی‌امیه را در نزدیک اصفهان شکست دادند و از جمله غنائمی که بدست آنها افتاد نای، بربط و تنبور ایرانی بود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی